Journal of Intelligent Financial Management

ISSN: 3116-0964

Exploring cognitive theories in earnings management behavior: A model based on a context-based approach

Sajad Ortani [1], Asgar Pakmaram[2]*, Nader Rezaei[1]

[1] *Department of Accounting, Bonab Branch, Islamic Azad University, Bonab, Iran*

[2*] *Department of Accounting, Bonab Branch, Islamic Azad University, Bonab, Iran (Coresponding autour), Email: pakmaram@iau.ac.ir*

ARTICLE INFO

Article history:
Received:04/04/2025
Received in revised form:10/05/2025
Accepted:22/06/2025
Available online:22/06/2025

Keywords:

Earnings Management
Cognitive Theories
Grounded Theory
Financial reporting

ABSTRACT

The main objective of this study is to explore the role of cognitive theories in explaining earnings management behavior and to present a conceptual model based on a grounded approach. Earnings management, as one of the most important challenges in financial reporting, has been studied from many angles, but examining it in the light of cognitive theories can reveal new dimensions of managers' motivations and mental processes. For this purpose, the present study was conducted with a qualitative approach and using the grounded theory method. The statistical population included academic experts and professional specialists in the fields of accounting and capital markets, 15 of whom were selected using purposive sampling and snowball technique, and in-depth semi-structured interviews were conducted until theoretical saturation. After implementation, the data were analyzed using open, axial, and selective coding methods. The results showed that cognitive factors such as perceptual biases, subjective judgments, information processing, and decision-making styles play a fundamental role in the formation of earnings management behavior. The final model of the research also indicates that causal, contextual, and intervening conditions in interaction with managers' cognitive strategies bring about consequences such as changes in financial information transparency, investor confidence, and capital market efficiency. By providing a native model, these findings can provide a basis for policymakers, regulatory agencies, and accounting standards setters to improve the quality of financial reporting and reduce opportunities for earnings management.

Journal of Intelligent Financial Management, 2025, Vol. 1, No.2, pp. 87- 104

Publish by:
Tolou-e Binish-e Ayandeh Scientific Institute

https://doi.org/10.25843/JIFM.2025.8363.228746

Article Type: Research Paper



©Authors

Cite: Ortani , S., Pakmaram, A. & Rezaei, N. (2025). Exploring cognitive theories in earnings management behavior: A model based on a context-based approach. Journal of Intelligent Financial Management, 1(2), 87-104.

نگرش های
مدیریت مالی هوشمند
Journal of Intelligent Financial Management
ISSN: 3116-0964

واکاوی نظریه‌های شناختی در رفتار مدیریت سود: الگویی مبتنی بر رویکرد زمینه‌بنیان

سجاد ارتانی[1]، عسگر پاک مرام[2و*]، نادر رضایی[1]

۱ – گروه حسابداری، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران

۲ و *– گروه حسابداری، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران (نویسنده مسئول)، ایمیل نویسنده مسئول: *pakmaram@iau.ac.ir*

اطلاعات مقاله

تاریخچه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۱۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱

کلیدواژه‌ها:

مدیریت سود

نظریه های شناختی

نظریه زمینه بنیاد

گزارشگری مالی

چکیده

هدف اصلی این پژوهش واکاوی نقش نظریه‌های شناختی در تبیین رفتار مدیریت سود و ارائه الگویی مفهومی بر مبنای رویکرد زمینه‌بنیان است. مدیریت سود، به عنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌های گزارشگری مالی، از زوایای متعددی بررسی شده است، اما بررسی آن در پرتو نظریه‌های شناختی می‌تواند ابعاد جدیدی از انگیزه‌ها و فرآیندهای ذهنی مدیران را آشکار سازد. بدین منظور، پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و استفاده از روش نظریه داده‌بنیاد (گراندد تئوری) انجام شد. جامعه آماری شامل خبرگان دانشگاهی و متخصصان حرفه‌ای حوزه حسابداری و بازار سرمایه بود که با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند و تکنیک گلوله‌برفی، ۱۵ نفر از آنان انتخاب و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته عمیق تا مرحله اشباع نظری صورت گرفت. داده‌ها پس از پیاده‌سازی، با روش کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل شدند. نتایج نشان داد که عوامل شناختی نظیر سوگیری‌های ادراکی، قضاوت‌های ذهنی، پردازش اطلاعات و سبک‌های تصمیم‌گیری، نقشی اساسی در شکل‌گیری رفتار مدیریت سود دارند. همچنین الگوی نهایی پژوهش بیانگر آن است که شرایط علّی، زمینه‌ای و مداخله‌گر در تعامل با راهبردهای شناختی مدیران، پیامدهایی همچون تغییر در شفافیت اطلاعات مالی، اعتماد سرمایه‌گذاران و کارایی بازار سرمایه را به همراه دارد. این یافته‌ها با ارائه الگویی بومی، می‌تواند مبنایی برای سیاست‌گذاران، نهادهای ناظر و تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری در جهت ارتقای کیفیت گزارشگری مالی و کاهش فرصت‌های مدیریت سود فراهم آورد.

نشریه مدیریت مالی هوشمند، ۱۴۰۴، دوره ۱، شماره ۲، صفحه ۸۷-۱۰۴.

ناشر: موسسه علمی طلوع بینش آینده

https://doi.org/ 10.25843/JIFM.2025.8363.228746

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان

استناد: ارتانی، سجاد و پاک مرام، عسگر و رضایی، نادر. (۱۴۰۴). واکاوی نظریه‌های شناختی در رفتار مدیریت سود: الگویی مبتنی بر رویکرد زمینه‌بنیان. *مدیریت مالی هوشمند*،۱(۲)، ۸۷– ۱۰۴.

۱-مقدمه

مدل انرژیک سبک‌های گریگورک[1] به عنوان یک نظریه سبک‌های شناختی تلقی می‌شود که از روانشناسی شخصیت نشات می‌گیرد (گریگورگ، ۱۹۷۹). گریگورگ، سبک‌ها را از جنبه هایی نظیر رفتارها و ویژگی‌های سطحی، ظاهری و تصنعی تعریف می‌کند. مدل ارنژیک بر اساس دو قاعده کلی زمان و فضا طبقه‌بندی می‌شود. در این مدل، زمان به دو روش مختلف نظم بخشی به حقایق و رخدادها شامل متوالی که در برگیرنده نظام‌دهی اطلاعات به صورت خطی و مرحله به مرحله است و روش تصادفی که مبین نظام‌دهی اطلاعات و ارتباط داده ها با روش‌های مختلف می‌باشد، تفکیک می‌گردد (داف[2]، ۲۰۰۴). همچنین، پیرو نظریه ارنژیک، رفتار افراد بر عملکرد آن‌ها موثر است (نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده[3]) و همچنین رفتار و عملکرد، عوامل درونی و بیرونی دارد (نظریه اسناد[4]) و افراد نمی‌توانند در تضاد با نگرش‌های خود رفتار کنند (نظریه ناهماهنگی شناختی[5]) و همچنین نگرش‌ها، ویژگی‌ها، مهارت‌ها، توانایی‌ها و رفتارهای افراد منجر به عملکرد موثر و موفقیت سازمانی می‌شود (مدل شایستگی) (گاورونسکی، ۲۰۰۷).

ویژگی‌های شخصیتی افراد، زمینه ساز رفتارهای آنان است، با توجه به آنکه برخی از عوامل رفتاری دخیل در شخصیت مدیران باعث جهت‌دهی به تصمیم یری آنان خواهد شد، لذا شناسایی این عوامل و اثرات آنها می‌تواند در بهبود فرآیند تصمیم‌گیری مؤثر باشد. پژوهشگران در هر دو رشته روانشناسی و حسابداری به اهمیت شخصیت افراد در تصمیم‌گیری اذعان نموده‌اند (فام[6]، ۲۰۰۰؛ فینوکان و همکاران، ۲۰۰۰؛ فلیپس[7] و همکاران، ۲۰۰۶؛ بایاندیکا[8] و همکاران، ۲۰۱۳).

رفتار غیر اخلاقی مدیریت سود یکی از موضوع‌های جذاب در پژوهش‌های تجربی حسابداری و رفتاری است. مدیریت سود، مداخله عمومی مدیریت در فرآیند تعیین سود و غالباً در راستای اهداف دلخواه آن می‌باشد. دستکاری فعالیت‌های واقعی، انحراف از روش‌های عادی عملیاتی بوده و با هدف اولیه برآورده‌سازی آستانه‌های خاص سود انجام می‌گیرد (جولینا[9] و همکاران، ۲۰۲۱).

به اعتقاد هیلی و والن (۱۹۹۹) مدیریت سود هنگامی رخ می‌دهد که مدیران از قضاوت‌های شخصی خود در گزارشگری مالی استفاده کنند و ساختار معاملات را جهت تغییرگزارشگری مالی دستکاری می‌نمایند. حسابرسان می‌توانند از طریق انجام حسابرسی با کیفیت، تضاد منافع بین افراد درون سازمانی و برون سازمانی را محدود نموده و عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه‌های نمایندگی را کاهش دهند.

طبق دیدگاه فلیپس[10] و همکاران (۲۰۰۹) مدیریت سود یک ابزار برای منحرف کردن عملکرد اقتصادی شرکت است. به نظر این نویسندگان، عوامل انگیزشی در مدیریت سود می‌تواند منشاء رفتاری و روانشناختی داشته باشد. در این راستا، برخی پژوهش‌ها نشان دادهاند رفتار مدیریت سود با شخصیت افراد رابطه دارد و رفتار مدیر در بیش‌نمایی سود را می توان با دیدگاه‌های اخلاقی او مرتبط دانست (شفر و وانگ،۲۰۱۱؛ دایاناندان و همکاران،۲۰۱۲).

بنابراین، مسئله مهم در این پژوهش، با در نظر گرفتن سبک های شناختی مدیران که به کنش‌ها و تصمیم‌گیری‌های متفاوتی منجر می‌شود، میزان تاثیرپذیری برخی از رفتارهای مدیریت سود شرکت از این اختلالات است. یافته‌های این پژوهش نه تنها موجب بسط مبانی نظری پژوهش‌های گذشته در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران در خصوص ارائه الگویی برای شناسایی نقش سبک ای شناختی بر رفتار مدیریت سود خواهد شد، بلکه نتایج آن در قالب یک الگوی جامع می‌تواند مورد استفاده سرمایه-گذاران، قانون‌گذاران بازار سرمایه و سایر استفاده‌کنندگان اطلاعات حسابداری در جهت شناخت نقش سبک‌های شناختی در رفتار مدیریت سود قرار گیرد و در امر تصمیم‌گیری آنها راهگشا باشد.

با توجه به عدم وجود درک مدیران سطوح عالی و میانی از نقش پدیده و تئوری‌های مرتبط با مسائل شناختی بر روی رفتار مدیریت سود، مسئله این پژوهش درک مدیران از نظریه‌های شناختی و نهایتاً واکنش آن بر روی رفتار مدیریت سود هست. بنابراین به توجه به مطالب فوق، این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال است که چه الگویی برای شناسایی نقش سبک‌های شناختی بر رفتار

---

[1] Gregorc's Energy Theory
[2] Duff
[3] Theory of Planned Behavior
[4] Attribution Theory
[5] Cognitive Dissonance Theory
[6] Pham
[7] Phillips
[8] Bayuandika
[9] Juliana
[10] Phillips

مدیریت سود مناسب است؟ به‌منظور پاسخ به این سؤال، برخی تئوری‌های شناختی نظیر؛ نظریه انرژیک، نظریه رفتاری دلبستگی و سایر نظریه های مرتبط مطالعه می‌شود.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

این پژوهش برای طرح مبانی نظری مرتبط با رفتار مدیریت سود از تئوری‌های شناختی وسایر نظریه‌های مرتبط پیروی می‌کند که به بسط مفاهیم مبانی شناختی و رفتار مدیریت سود پرداخته می شود.

نظریه های شناختی

اندیشه اصلی در رویکرد شناختی[۱] به روان شناسی اجتماعی آن است که رفتار یک شخص بستگی به شیوه درک او از موقعیت‌های اجتماعی دارد. مردم خود به خود تصورات، افکار و باورهای خود درباره یک موقعیت اجتماعی را به صورت‌های ساده و معنی‌داری سازمان می‌دهند؛ درست همان‌گونه که اشیاء را به صورت طبقات مختلف طبقه‌بندی می‌کنند. هرقدر هم که موقعیت آشفته و در هم ریخته باشد، مردم نظم و سازمانی به آن می‌بخشند و این سازمان دادن، یعنی این ادراک و تفسیر از جهان، چگونگی رفتار آنها را در موقعیت های اجتماعی، تحت تاثیر قرار می‌دهد (هوکی[۲]، ۱۹۹۷). در ذیل به برخی از نظریه‌های شناختی مرتبط با رفتار مدیریت سود اشاره می‌شود:

نظریه انرژیک[۳]: این نظریه ریشه در روانشناسی انگیزش و انرژی روانی دارد. فرض اساسی این نظریه آن است که انسان‌ها برای انجام هر فعالیت ذهنی یا رفتاری نیاز به سطحی از انرژی دارند و این انرژی محدود است. در مدیریت و رفتار سازمانی، این نظریه به عنوان مدلی برای توضیح چگونگی تخصیص انرژی ذهنی و انگیزشی مدیران در تصمیم‌گیری‌ها مورد توجه قرار گرفته است (کانفر[۴] و همکاران، ۲۰۰۸). بر اساس این دیدگاه، مدیران هنگام مدیریت سود نیازمند صرف انرژی شناختی و انگیزشی زیادی هستند، زیرا باید بین اهداف شخصی، فشارهای سهامداران و الزامات قانونی تعادل برقرار کنند. زمانی که انرژی شناختی مدیر کاهش یابد (به دلیل استرس، فشار کاری یا خستگی ذهنی)، احتمال استفاده از میانبرهای شناختی[۵] یا تصمیمات غیرمنطقی بیشتر می‌شود و این می‌تواند به رفتارهای مدیریت سود فرصت‌طلبانه منجر شود. از سوی دیگر، اگر انرژی انگیزشی بالایی در مدیران وجود داشته باشد (مثلاً به دلیل پاداش‌ها یا انگیزه‌های عملکردی)، آن‌ها ممکن است به سمت مدیریت سود جهت‌دار حرکت کنند (اسکمیکال و بامریستر[۶]، ۲۰۰۴).

نظریه رفتاری دلبستگی[۷]: این نظریه بر این نکته تأکید دارد که شکل‌گیری یک پیوند عاطفی مطمئن در دوران کودکی، تحت عنوان مدل‌های کاری[۸]، بر نحوه پردازش اطلاعات و الگوهای رفتاری فرد در طول زندگی تأثیر می‌گذارد (کسیدی[۹] و همکاران، ۲۰۱۳).

نظریه‌های شناختی اجتماعی[۱۰]: اتوکلاین برگ[۱۱](۲۰۱۴)، روانشناسی اجتماعی[۱۲] را علم مطالعه رفتار فرد در وضع گروهی تعریف کرده است و گوردون آلپورت[۱۳] تعریف زیر را برای آن عرضه کرده است: با جزئی استثنائات، روان‌شناسان اجتماعی رشته خود را کوششی می‌دانند برای فهم و تبیین این مطلب که افکار، احساسات یا افراد افراد چگونه تحت تاثیر حضور واقعی، تصوری یا تلویحی دیگران قرار می‌گیرد (اویکنل[۱۴] و همکاران،۲۰۱۶).

نظریه های انگیزشی[۱۵]: سومین رویکرد کلی در روانشناسی اجتماعی، یعنی رویکرد انگیزشی، برعوامل انگیزشی که رفتار انسان را هدایت می‌کنند، تمرکزدارد. یک رویکرد کاملا متفاوت برای درک انگیزه‌ها از کارهای اقتصاددانان و کسان دیگری که مردم را به

---

[1] Cognitive approach
[2] Hockey
[3] Cognitive-Energetical Theory
[4] Kanfer
[5] Heuristics
[6] Schmeichel & Baumeister
[7] Attachment Theory
[8] internal working models
[9] Cassidy
[10] Cognitive Theories
[11] otto klineberg
[12] social Psychology
[13] Gordon Allport
[14] Oyekunle
[15] Motivational

صورت افرادی که از میان شقوق مختلف، برمبنای سود و زیان مربوط به هر تصمیم، انتخاب های عقلانی انجام می‌دهند، می بیند (دیکاس و کسیدی[۱]، ۲۰۰۷).

نظریه پردازش اطلاعات: این نظریه یکی از برجسته‌ترین نظریه‌های شناختی است که یادگیری و تفکر را به‌مثابه فرایندی می‌داند که ذهن انسان مانند رایانه‌ای پیچیده اطلاعات را دریافت، ذخیره، تحلیل و بازیابی می‌کند. این نظریه به جای تمرکز بر رفتارهای آشکار (همانند نظریه‌های رفتاری)، به فرایندهای درونی ذهن انسان توجه دارد؛ فرایندهایی مثل توجه، ادراک، رمزگردانی[۲]، ذخیره‌سازی، بازیابی اطلاعات، و حل مسئله (آتکینسون[۳] و همکاران، ۱۹۶۸).

رفتار مدیریت سود

رفتار مدیریت سود به مجموعه اقداماتی گفته می‌شود که مدیران یک واحد تجاری برای دست‌کاری سود گزارش‌شده انجام می‌دهند، به‌طوری‌که این سود با اهداف خاصی هماهنگ شود؛ بدون اینکه لزوماً عملکرد اقتصادی واقعی شرکت تغییر کند. در واقع، این رفتار نوعی دست‌کاری اختیاری در اقلام حسابداری است که برای افزایش یا کاهش سود گزارش‌شده در صورت‌های مالی انجام می‌گیرد (هیلی[۴] و همکاران، ۱۹۹۹).

اسکیپر[۵](۱۹۸۹) رفتار مدیریت سود را به دوسطح ذیل تعمیم می‌دهد:

الف- مدیریت سود افزایشی[۶]: مدیران سود را بیش از واقعیت گزارش می‌کنند؛ مثلاً برای جذب سرمایه‌گذار یا دریافت پاداش بیشتر.

ب- مدیریت سود کاهشی[۷]: سود کمتر از واقع گزارش می‌شود؛ مثلاً برای پرداخت مالیات کمتر یا ذخیره سود برای دوره‌های آینده.

مدیریت سود در مرز باریک بین استانداردهای حسابداری و فریب‌کاری مالی قرار دارد. اگرچه ممکن است قانونی باشد، اما اغلب: موجب گمراهی ذی‌نفعان، کاهش کیفیت سود، افزایش ریسک سرمایه‌گذاری، و خدشه به اعتبار حرفه حسابداری می‌شود (روح‌الهی و همکاران، ۱۴۰۱).

نظریه‌های شناختی و رفتار مدیریت سود

مدیریت سود به عنوان یکی از پرچالش‌ترین موضوعات در حوزه گزارشگری مالی و حسابداری مطرح است. اغلب پژوهش‌ها این پدیده را از منظر اقتصادی و قراردادی بررسی کرده‌اند؛ به‌ویژه در قالب تئوری نمایندگی، فرض می‌شود مدیران با انگیزه‌های فرصت‌طلبانه یا کارکردی به دستکاری سود می‌پردازند. با این حال، در سال‌های اخیر توجه پژوهشگران به نقش فرآیندهای شناختی و روان‌شناختی مدیران در شکل‌گیری این رفتارها افزایش یافته است (هیلی و همکاران، ۱۹۹۹).

بر اساس نظریه‌های شناختی، تصمیم‌گیری مدیران در زمینه مدیریت سود نه صرفاً بر اساس محاسبات عقلانی اقتصادی، بلکه متأثر از سوگیری‌های شناختی، طرحواره‌های ذهنی، و سبک‌های پردازش اطلاعات است. برای مثال، سوگیری خوش‌بینی بیش از حد[۸] ممکن است مدیران را به ارائه تصویری مثبت‌تر از عملکرد شرکت سوق دهد (هیلاری و هاس[۹]، ۲۰۱۱). همچنین، اعتمادبه‌نفس بیش از حد[۱۰] در برآورد جریان‌های نقدی آتی می‌تواند احتمال استفاده از رویه‌های مدیریت سود افزایشی را افزایش دهد (هریبار و یانگ[۱۱]، ۲۰۱۶).

از منظر نظریه پردازش اطلاعات، ظرفیت شناختی محدود مدیران سبب می‌شود در مواجهه با پیچیدگی‌های محیطی و فشارهای اطلاعاتی، از میانبرهای ذهنی[۱۲] برای تصمیم‌گیری استفاده کنند (تویرسکی و کاهنمن[۱۳]، ۱۹۷۴). این میانبرها در بسیاری موارد منجر به قضاوت‌های نادرست و رفتارهای غیرعقلایی نظیر دستکاری سود می‌شود. علاوه بر این، نظریه‌های شناختی به اهمیت

---

[1] Dykas & Cassidy
[2] encoding
[3] Atkinson
[4] Healy
[5] Schipper
[6] Income-increasing EM
[7] Income-decreasing EM
[8] over-optimism bias
[9] Hilary & Hsu
[10] overconfidence
[11] Hribar & Yang
[12] Heuristics
[13] Tversky & Kahneman

ادراکات و تفسیرهای ذهنی مدیران از محیط اقتصادی و فشارهای سازمانی اشاره دارند. برای نمونه، مدیرانی که ریسک کاهش اعتبار یا تهدیدهای بیرونی را بیشتر از واقعیت درک می‌کنند، احتمال بیشتری دارد به مدیریت سود روی آورند تا تصویری مطلوب‌تر به ذی‌نفعان ارائه دهند (اسکراندو زکلمن[1]، ۲۰۱۲). به طور کلی، چارچوب‌های شناختی می‌توانند نقش مهمی در تبیین چرایی و چگونگی وقوع مدیریت سود ایفا کنند. این دیدگاه، تمرکز پژوهش‌ها را از صرف انگیزه‌های قراردادی و اقتصادی به سمت بررسی ابعاد روان‌شناختی، ذهنی و ادراکی تصمیم‌گیرندگان سوق می‌دهد و می‌تواند مبنایی برای طراحی سیاست‌های نظارتی دقیق‌تر در بازار سرمایه باشد.

پیشینه پژوهش‌های داخلی

رحمانیان و نویدی (۱۴۰۰) به بررسی رابطه بین صورت‌های مالی متقلبانه و کیفیت گزارشگری مالی با تأکید بر اثربخشی تجربه و نفوذ مدیران در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان دادند که بین تقلب در صورت‌های مالی و کیفیت گزارشگری مالی را رابطه معکوس و معنادار وجود دارد، بین تجربه مدیران بر رابطه بین صورت‌های مالی متقلبانه و کیفیت گزارشگری مالی تأثیری ندارد، همچنین، نفوذ مدیران بر رابطه بین صورت‌های مالی متقلبانه و کیفیت گزارشگری مالی تأثیر مثبت و معنادار دارد. در نتیجه مدیران با نفوذ، با کنترل عوامل تقلب و مدیریت سود در صورت های مالی، قادر هستند کیفیت گزارش‌های مالی خود را افزایش یا کاهش دهند.

ابراهیمی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی به بررسی رفتار دستکاری سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از الگوی چهار جانبه نگرش نسبت به ریسک ارائه شده توسط تئوری چشم‌انداز تجمعی در دوره زمانی ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۷ پرداختند بود. نتایج بیانگر تأثیر مثبت و معنادار برآورد مدیریت از احتمال وقوع زیان نسبت به نقطه مرجع و تأثیر منفی و معنادار برآورد مدیریت از احتمال دستیابی به سود نسبت به نقطه مرجع، بر دستکاری سود بود. به عبارت دیگر، احتمال دستکاری سود در شرایطی که مدیر احتمال وقوع زیان نسبت به نقطه مرجع را بالا برآورد کند، بالاتر بوده و در شرایطی که این احتمال پایین باشد، احتمال دستکاری سود پایین‌تر است. همچنین، احتمال دستکاری سود در شرایطی که مدیر احتمال دستیابی به سود نسبت به نقطه مرجع را پایین برآورد کند، بالاتر بوده و در شرایطی که این احتمال بالا باشد، احتمال دستکاری سود پایین‌تر است.

بنی‌مهد و نیکومرام (۱۴۰۲) در مطالعه‌ای با عنوان نقش عوامل روان‌شناسی اجتماعی در بروز تقلب در گزارشگری مالی، نشان داد که عوامل روان‌شناسی اجتماعی مانند فشار اجتماعی، هنجارهای گروهی، و تأثیرات اجتماعی بر تصمیمات اخلاقی در محیط‌های کاری و مالی تأثیر زیادی دارند. نتایج پژوهش نشان داد که هنگامی که اعضای یک گروه یا سازمان به طور مداوم رفتارهای متقلبانه را مشاهده یا تجربه می‌کنند، احتمال پیروی از این رفتارها در دیگر اعضا نیز افزایش می‌یابد. در نتیجه، درک اجتماعی و فشار هم‌سالان می‌تواند موجب تقویت رفتارهای متقلبانه در گزارشگری مالی شود، به‌ویژه در سازمان‌هایی که فرهنگ عدم شفافیت و کتمان اطلاعات رایج است. این پژوهش توصیه می‌کند که برای کاهش تقلب‌های مالی، باید فرهنگ شفافیت و پاسخگویی در سازمان‌ها تقویت شود.

یزدی و همکاران (۱۴۰۳) در پژوهشی با عنوان «نقش فشار درک‌شده بر اعتقادات اخلاقی حسابداران در گزارشگری مالی» نشان داد که فشارهای اجتماعی و شغلی می‌توانند به شدت بر اعتقادات اخلاقی حسابداران تأثیر بگذارند و باعث شوند که آنها در شرایط خاص، به گزارشگری متقلبانه روی آورند. پژوهش تأکید کرد که حسابداران در مواجهه با فشار مدیریتی یا فشار اجتماعی ممکن است از اصول اخلاقی خود کوتاه بیایند و به تقلب در گزارش‌های مالی بپردازند. علاوه بر این، نتایج پژوهش نشان داد که افزایش آگاهی و آموزش‌های اخلاقی در سازمان‌ها می‌تواند به تقویت رفتارهای اخلاقی کمک کند و احتمال گزارشگری نادرست را کاهش دهد. این پژوهش به اهمیت آموزش اخلاقی و ایجاد محیطی با فشار اجتماعی کم در کاهش تقلب‌های مالی اشاره دارد.

پیشینه پژوهش‌های خارجی

چینگ تای[2] و همکاران (۲۰۱۸) در مطالعه‌ای توانایی شناختی و عملکرد سود را بررسی کردند. نتایج نشان می‌دهد که ظرفیت حافظه‌کاری[3](WMC) سرمایه‌گذار تأثیر مثبت قابل‌توجهی بر عملکرد بازار دارد و شکاف عملکرد ناشی از توانایی شناختی، اگرچه با گذشت زمان کاهش می‌یابد، اما همچنان قابل توجه است. آنها همچنین دریافتند که تفاوت در عملکرد افراد ناشی از رفتار

[1] Schrand & Zechman
[2] Ching Tai
[3] Working Memory Capacity

آنهاست: افراد با WMC بالا در بهره‌برداری از فرصت‌های سود مازاد و اجتناب از معاملات غیرسودآور بهتر عمل می‌کنند. در میان WMC، از پنج توانایی شامل؛ روش درمانی، معامله‌گران حقیقت‌گو، عامل مرتبط، توانایی پردازش و ذخیره همزمان اطلاعات تشکیل شده است.

گوا و ژانگ[1] (۲۰۲۴) در مطالعه‌ای تأثیر فشار اجتماعی و تأثیر گروه‌های همکار را بر رفتارهای متقلبانه در گزارشگری مالی بررسی کرده است. نتایج نشان داد که در محیط‌های کاری با هنجارهای اخلاقی ضعیف، فشار همکاران و مدیران می‌تواند احتمال ارتکاب تقلب در گزارش‌ها را افزایش دهد. همچنین، این پژوهش پیشنهاد می‌کند که سازمان‌ها باید تلاش کنند تا فرهنگ سازمانی مبتنی بر شفافیت و صداقت را ایجاد کنند تا تقلب کاهش یابد. از این رو، اجتماعی در محیط‌های کاری می‌توانند منجر به تصمیمات نادرست اخلاقی شده و موجب تقلب در گزارشگری مالی شوند

داوری[2] و همکاران (۲۰۲۴) در پژوهشی نقش سازه‌های شناختی–رفتاری در مدیریت ثروت سرمایه‌گذاران: آزمون نظریه فروید را بررسی کردند. جامعه آماری پژوهش، سرمایه‌گذاران فعال در بازار سرمایه هستند و برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه استاندارد استفاده شد. پس از انجام آزمون‌های پایایی و روایی داده‌های نمونه، از رویکرد مدل‌سازی ساختاری استفاده شد. نتایج مدل‌سازی ساختاری نشان داد که سازه‌های شناختی–رفتاری (کلاژ مالی، ژنوگرام مالی، انضباط مالی و خودکارآمدی مالی) تأثیر قابل‌توجهی بر مدیریت ثروت سرمایه‌گذاران دارند .علاوه بر این، دانش مالی و حسابداری ذهنی از طریق داده‌کاوی مالی به طور قابل‌توجهی بر مدیریت ثروت سرمایه‌گذاران تأثیر می‌گذارند.

گاریا و تورینی[3]و همکاران (۲۰۲۵) در پژوهشی به تأثیر هنجارهای اجتماعی در تصمیم‌گیری‌های مالی و رفتارهای متقلبانه پرداخته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهند که زمانی که اعضای یک سازمان با رفتارهای متقلبانه روبه‌رو می‌شوند، این هنجارهای اجتماعی ممکن است موجب پذیرش رفتارهای نادرست در گزارشگری مالی شوند. از این رو، هنگامی که در یک محیط کاری هنجارهای منفی در خصوص رفتارهای اخلاقی وجود داشته باشد، کارکنان ممکن است به راحتی به تقلب در گزارش‌ها روی بیاورند.

داهار و آپرتی[4] (۲۰۲۵) در پژوهش خود به دنبال درک اثر فاکتورهای سوگیری رفتاری بر روی عملکرد سرمایه گذاری سرمایه-گذاران هستند. آنها در نهایت شش فاکتور سوگیری رفتاری برای درک اثرشان بر روی عملکرد سرمایه گذاران شناسایی شدند که عبارت است از خلق‌وخو، هیجانات، روش های ابتکاری، چارچوب، شخصیت و قمار که در نهایت یافته های پژوهش نشان می دهد که تمام فاکتورهای انتخابی این پژوهش دارای اثر معناداری بر روی عملکرد سرمایه گذاری سرمایه گذاران هستند.

٤- روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، توسعه‌ای–کاربردی و از نظر روش جمع‌آوری اطلاعات، توصیفی پیمایشی است. همچنین ماهیت آن کیفی بوده و از نظریه داده‌بنیاد به عنوان روش پژوهش استفاده شده است. نظریه داده‌بنیاد روشی کیفی است که بر اساس داده‌های گردآوری‌شده، نظریه‌ای تکوین می‌یابد و فرایندها، تعاملات یا عملکردها را توضیح می‌دهد. در این رویکرد، پژوهش از داده‌ها آغاز می‌شود و فرصت داده می‌شود تا مفاهیم مرتبط خود را نشان دهند، نه اینکه از پیش نظریه‌ای ارائه و اثبات شود. این روش با مجموعه‌ای منظم از تکنیک‌های جمع‌آوری داده، طراحی نظریه به شیوه استقرایی را تسهیل می‌کند و محقق در طول پژوهش داده‌ها را تفسیر و تحلیل‌های نظری در حال ظهور را بازتعریف می‌کند. هدف اصلی، شناسایی و تبیین الگوهایی است که فرایندهای اجتماعی و پدیده‌های مورد مطالعه را شکل می‌دهند. در این پژوهش، رفتار مدیریت سود با تکیه بر نظریه‌های شناختی، از طریق مطالعه افراد با تجربه و درگیر با موضوع و بررسی دقیق تجارب واقعی آنان تحلیل شد تا با رویکرد سیستمی، الگویی برای تبیین رفتار مدیریت سود و مولفه‌های مؤثر در آن ارائه گردد.

این پژوهش از منظر نوع استدلال، استقرایی است، زیرا مصاحبه‌شوندگان با توجه به تجربه‌ها و مشاهدات خود، پدیده‌ها و عوامل مؤثر بر توسعه اعتماد عمومی سرمایه‌گذاران را مطرح می‌کنند. از نظر بعد زمانی، مطالعه مقطعی بوده و مصاحبه‌ها در سال ۱۴۰۴ انجام شده است. به منظور رفع محدودیت‌های پژوهش‌های پیشین، رویکرد کیفی و روش نظریه داده‌بنیاد به کار گرفته شد تا

[1] Gao & Zhang
[2] Davari
[3] Guerra & Turrini
[4] Dahal & Uprety

الگویی جامع شامل عوامل علّی، محوری، مداخله‌گر، زمینه‌ای، مفاهیم رفتار مدیریت سود با تأکید بر نظریه‌های شناختی، راهبردها و پیامدها تدوین شود.

در این رویکرد، مصاحبه با متخصصان ابتدا از طریق پرسش‌های باز و کدگذاری باز انجام می‌شود، سپس با کدگذاری محوری مفاهیم کوتاه و هدایت شده و در نهایت با کدگذاری انتخابی، مدل پژوهش برای نظریه‌پردازی شکل می‌گیرد. این روش مستلزم مقایسه تطبیقی مقوله‌ها و رویدادهاست، نه صرفاً توصیف آن‌ها. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته جمع‌آوری شده و تا مرحله اشباع، یعنی زمانی که اطلاعات جدید مرتبط حاصل نشود، ادامه یافته است.

انواع داده‌های کیفی شامل مشاهدات، گفت‌وگوها، مصاحبه‌ها، اسناد، خاطرات پاسخ‌دهندگان و تأملات پژوهشگر در تحلیل‌ها به کار گرفته شد. مصاحبه‌های رو در رو و فردی با میانگین ۱۵ تا ۲۰ دقیقه انجام شد. سوالات عمدتاً باز بودند و پاسخ‌ها می‌توانست منجر به پرسش‌های بعدی شود، با این حال برای کنترل جریان مصاحبه، سوالات کلیدی در کنار سایر پرسش‌ها مطرح می‌شد و در پایان، از مصاحبه‌شوندگان خواسته می‌شد نکات یا دیدگاه‌های دیگری ارائه کنند. پیاده‌سازی فوری مصاحبه‌ها و کدگذاری اولیه، امکان تحلیل سریع و هدایت پژوهش به سمت تدوین نظریه را فراهم کرد.

شرکت‌کنندگان پژوهش شامل خبرگان مدیریت، مالی و روانشناسی بودند که درک قابل‌قبولی از مدیریت سود و مفاهیم رفتاری داشتند. آن‌ها در جایگاه‌های مدیریتی یا حسابداری ارتقاء یافته، تجربه حرفه‌ای در گزارشگری مالی شرکت‌های بورسی و فرابورسی داشتند و به‌عنوان مدیران نهادهای نظارتی یا خبرگان مالی فعالیت کرده‌اند. همچنین، حداقل دو پژوهش کیفی مرتبط با حوزه‌های مالی و روانشناختی را انجام، راهنمایی یا داوری کرده‌اند، تا قابلیت ارائه تحلیل‌های دقیق و معتبر در زمینه رفتار مدیریت سود فراهم شود.

ابتدا فهرستی از متخصصان و صاحب‌نظران در حوزه‌های حسابداری، مالی، مدیریتی و روانشناسی تهیه شد و از طریق تماس تلفنی، رودررو و ایمیل، درباره اهداف پژوهش توضیح داده و برای انجام مصاحبه دعوت شدند. در نهایت، ۱۵ نفر به عنوان مصاحبه‌شونده انتخاب شدند که مصاحبه‌ها عمدتاً رودررو و با هماهنگی قبلی انجام شد و یک مورد به صورت تلفنی بود. پیش از مصاحبه، اهمیت رعایت اصول اخلاقی و حفظ محرمانگی دیدگاه‌ها برای ایجاد اعتماد شرکت‌کنندگان توضیح داده شد.

جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها در روش نظریه داده‌بنیاد به‌صورت تکرارشونده و هم‌زمان انجام می‌شود. در این رویکرد، داده‌ها ابتدا کدگذاری شده و سپس دسته‌بندی می‌شوند تا مفاهیم شکل گیرند و در نهایت مدل‌های نظری از دل آن‌ها پدید آید. برخلاف پژوهش‌های مبتنی بر آزمون فرضیه، نظریه داده‌بنیاد با داده آغاز می‌شود و تحلیل و جمع‌آوری داده‌ها به صورت پویا و چندلایه تکرار می‌شود تا مرحله «اشباع» حاصل شود. تحلیل داده‌ها از طریق سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام شد. در این پژوهش، کدگذاری محوری بر اساس الگوی پارادایم کوربین و اشتراوس (۲۰۱۵) صورت گرفت. در این الگو، مفاهیم حول مقوله محوری و ابعاد آن شامل شرایط علّی، بستر حاکم، شرایط مداخله‌گر، کنش‌ها و تعاملات (استراتژی‌های عملی) و پیامدها متمرکز می‌شوند تا چارچوب نظری کامل برای تبیین پدیده رفتار مدیریت سود فراهم شود.

۵- یافته‌های پژوهش

تحلیل داده‌ها مطابق با روش نظریه‌پردازی داده بنیاد پس از انجام مصاحبه، طی سه مرحلهٔ کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی انجام شده است. در نگاره (۱) مشخصات کلی مصاحبه‌شوندگان گزارش‌شده است.

جدول۱: اطلاعات جمعیت شناختی پاسخ‌دهندگان

متغیر	توضیحات	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	۱۳	۰/۸۶
	زن	۲	۰/۱۴
تاهل	متاهل	۱۳	۰/۸۶
	مجرد	۲	۰/۱۴
سن	کمتر از ۳۰ سال	۱	۰/۴
	۳۰ تا ۴۵	۱۰	۰/۶۶
	۴۶ و بالاتر	۳	۰/۲۰
تحصیلات	کارشناسی ارشد	۱	۰/۴
	دانشجوی دکتری	۳	۰/۲۰
	دکتری	۱۰	۰/۶۶
سابقه	۵–۱۰ سال	۳	۰/۲۰
	۱۰–۱۵ سال	۱۰	۰/۶۶
	۱۵–۲۰ سال	۲	۰/۸
حوزه تخصص	مدیران مالی شرکت های بورسی	۶	۰/۴۰
	مدیران نهادهای نظارتی	۳	۰/۲۰
	اعضاء هیئت علمی	۵	۰/۳۳
	خبرگان نظریه های شناختی	۱	۰/۴

شرایط علّی به حوادث و رویدادهایی اشاره دارد که موجب شکل‌گیری یا توسعه یک پدیده می‌شوند. پدیده به مفهوم ایده، حادثه یا واقعه اصلی است که مجموعه‌ای از کنش‌ها و واکنش‌ها برای مدیریت یا مرتبط با آن هدایت می‌شوند. در این پژوهش، شرایط علّی در پنج مقوله اصلی دسته‌بندی شده‌اند که در جدول ذیل مشاهده می‌شود.

جدول۲:کدگذاری باز و مفاهیم شرایط علّی

مقوله اصلی	مقوله فرعی	مفاهیم
فشارهای اقتصادی-مالی	نیازهای تأمین مالی و سرمایه‌گذاری	نیاز به جذب سرمایه، فشار بازپرداخت بدهی، هزینه سرمایه بالا، محدودیت نقدینگی
	انتظارات بازار سرمایه	فشار برای برآورده‌سازی پیش‌بینی تحلیل‌گران، اجتناب از گزارش زیان، نوسان قیمت سهام
گیزه‌های مدیریتی و روان‌شناختی	سوگیری‌های شناختی مدیران	بیش‌اعتمادی، خوش‌بینی افراطی، تأییدی‌گرایی، خطای برآورد احتمالات
	انگیزه‌های شغلی و فردی	حفظ موقعیت شغلی، دستیابی به پاداش، ارتقای جایگاه حرفه‌ای
ویژگی‌های حاکمیت شرکتی و نهادی	ضعف نظارت داخلی	استقلال پایین هیئت‌مدیره، ناکارآمدی کمیته حسابرسی، کنترل‌های داخلی ضعیف
	خلأهای نهادی و محیطی	ضعف نظام نظارتی بورس، ناکارآمدی استانداردهای حسابداری، فشارهای محیطی برای گزارشگری خوش‌بینانه
عوامل فرهنگی-اجتماعی	هنجارها و فرهنگ سازمانی	تساهل فرهنگی نسبت به دستکاری سود، ارزش‌گذاری نتایج کوتاه‌مدت، ضعف اخلاق حرفه‌ای
	فشار گروهی و اجتماعی	پیروی از رویه‌های رایج صنعت، تقلید از رقبا، فشار ذی‌نفعان برای دستیابی به اهداف کوتاه‌مدت

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به جدول ۲ شرایط علّی دارای چهار مقوله اصلی که شامل فشارهای اقتصادی–مالی، انگیزه‌های مدیریتی و روان‌شناختی، ویژگی‌های حاکمیت شرکتی و نهادی، و عوامل فرهنگی–اجتماعی می‌باشد. در این پژوهش مقوله محوری تبیین رفتار مدیریت سود با تاکید بر نظریه های روانشناختی می‌باشد. شرایط محوری به شرح جدول ۳ می‌باشد.

جدول۳: کدگذاری باز مفاهیم محوری

مقوله اصلی	مقولات فرعی	مفاهیم محوری
فرایندهای شناختی و سوگیری‌های ذهنی مدیران در تصمیم‌گیری‌های مالی	سوگیری‌های شناختی	بیش‌اعتمادی، خوش‌بینی افراطی، سوگیری تأییدی، دسترس‌پذیری اطلاعات، لنگراندازی.
	پردازش اطلاعات و قضاوت مالی	محدودیت‌های پردازش اطلاعات، خطای برآورد احتمالات، استفاده از میانبرهای ذهنی، تفسیر ذهنی از استانداردهای حسابداری
	انگیزه‌های هیجانی–روان‌شناختی	حفظ موقعیت شغلی، تمایل به موفقیت شخصی، نیاز به پذیرش اجتماعی، اجتناب از افشای شکست
	تعامل شناخت و ساختار نهادی	اثر فرهنگ سازمانی بر شناخت مدیر، یادگیری اجتماعی در صنعت، تأثیر نظارت بیرونی بر قضاوت‌های شناختی

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به جدول ۳ مقوله محوری در این پژوهش رفتار مدیریت سود با تاکید بر نظریه‌های روانشناختی می‌باشد که مقوله‌های فرعی شامل سازه‌های فرایندهای شناختی و سوگیری‌های ذهنی مدیران در تصمیم‌گیری‌های مالی می باشد. زمینه مجموعه خاص ویژگی‌های مربوط به پدیده است. یعنی مکان حوادث یا وقایع مربوط به یک پدیده در طول یک دوره محدود. در این پژوهش سه مقوله اصلی به شرح جدول ۴ می‌باشد.

جدول٤: کدگذاری باز و مفاهیم شرایط زمینه‌ای

مقوله اصلی	مقوله فرعی	مفاهیم
شرایط نهادی و نظارتی	کیفیت حاکمیت شرکتی	استقلال ضعیف هیئت‌مدیره، نبود اعضای غیرموظف کارآمد، ضعف کمیته حسابرسی
	ضعف نظام نظارتی و حسابرسی	کارایی پایین نهادهای ناظر بازار سرمایه، استانداردهای حسابداری انعطاف‌پذیر، کمبود بازرسی حرفه‌ای
محیط اقتصادی و بازار	نوسانات و بی‌ثباتی اقتصادی	تورم بالا، رکود اقتصادی، شوک‌های ارزی
	فشار رقابتی در بازار	رقابت شدید بین شرکت‌ها، نیاز به جذب سرمایه‌گذاران جدید، فشار برای حفظ سهم بازار
فرهنگ سازمانی و حرفه‌ای	ارزش‌ها و هنجارهای سازمانی	فرهنگ کوتاه‌مدت‌گرایی، پذیرش دستکاری سود به‌عنوان رویه عادی، کم‌اهمیت شمردن اخلاق حرفه‌ای
	فشارهای اجتماعی–حرفه‌ای	الگوبرداری از رویه‌های رایج در صنعت، انتظار مدیران ارشد برای گزارش نتایج مثبت، جو سازمانی مبتنی بر نتیجه‌گرایی افراطی

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به جدول ۴ شرایط زمینه‌ای شامل شرایط نهادی و نظارتی، محیط اقتصادی و بازار، و فرهنگ سازمانی و حرفه‌ای می‌باشد. شرایط کلی که بر چگونگی فرآیندها و راهبردها تأثیر می‌گذارد. شرایطی که باعث تشدید یا تضعیف پدیده‌ها می‌شوند. شرایط مداخله‌گر در این پژوهش به شرح جدول ۵ می‌باشد.

جدول۵: کدگذاری باز و مفاهیم شرایط مداخله‌گر

مقوله اصلی	مقوله فرعی	مفاهیم
نقش نظارت و کنترل داخلی	نظارت هیئت‌مدیره و کمیته حسابرسی	وجود اعضای مستقل، تجربه اعضای کمیته، تعامل فعال با مدیران مالی
	کیفیت کنترل‌های داخلی	شفافیت فرایندهای حسابداری، سیاست‌های داخلی ضد دستکاری، سیستم گزارشگری داخلی
آموزش و توانمندسازی مدیران	سواد مالی و شناختی مدیران	توانایی تحلیل مالی، آگاهی از پیامدهای دستکاری سود، درک استانداردهای حسابداری
	آگاهی از قوانین و مقررات	شناخت الزام‌های قانونی، آگاهی از جرائم مالی، شفافیت الزامات گزارشگری
محیط رسانه‌ای و اجتماعی	پوشش رسانه‌ای و شفافیت بازار	تحلیل رسانه‌ها، افشای اطلاعات رقبا، واکنش عمومی به گزارش‌های مالی
	فشار ذی‌نفعان و جامعه حرفه‌ای	بازخورد سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران، فشار مشاوران حقوقی و حسابرسی، فرهنگ صنعت
فناوری و سیستم‌های اطلاعاتی	زیرساخت‌های نرم‌افزاری	دقت و سرعت پردازش اطلاعات، کنترل و ردیابی تراکنش‌ها
	سامانه‌های حسابداری هوشمند و هشداردهنده	شناسایی خطا یا دستکاری، گزارش‌دهی بلادرنگ، تحلیل روندها

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به جدول بالا شرایط مداخله‌گر دارای چهار مقوله اصلی نقش نظارت و کنترل داخلی، آموزش و توانمندسازی مدیران، محیط رسانه‌ای و اجتماعی، و فناوری و سیستم‌های اطلاعاتی می‌باشد. راهبردها کنش‌ها یا برهم کنش‌های خاصی هستند که از پدیده محوری منتج می‌شود در واقع راهبردها ارائه راه حل برای مواجهه با پدیده یعنی اداره کردن، نحوه برخورد و به انجام رسانیدن نسبت به پدیده اصلی است. در این پژوهش راهبردها به شرح جدول ۶ می‌باشد.

جدول ٦: کدگذاری باز و شرایط مربوط به راهبردها

مقوله اصلی	مقوله فرعی	مولفه
راهبردهای نهادی و حاکمیتی	بهبود شفافیت و افشای مالی	ارائه اطلاعات دقیق و به موقع، گزارشگری واقعی و منعطف، افشای ریسک
	تقویت حاکمیت شرکتی	استقلال هیئت‌مدیره، نقش فعال کمیته حسابرسی، کنترل مدیران اجرایی
راهبردهای فردی و شناختی مدیران	آموزش و توانمندسازی شناختی	آموزش مدیران درباره سوگیری‌ها و اثرات آنها، توسعه مهارت تصمیم‌گیری مالی، آگاهی از استانداردهای حسابداری
	مدیریت هیجان و خودکنترلی	کاهش تصمیم‌گیری هیجانی، استفاده از چارچوب‌های تحلیلی، مشاوره حرفه‌ای
راهبردهای نظارتی و کنترلی	نظارت مستمر و پایش فرآیندها	ممیزی داخلی و خارجی منظم، بررسی تراکنش‌ها و برآوردهای حسابداری، کنترل پیشگیرانه
	استفاده از فناوری‌های حسابداری و هشداردهنده	سیستم‌ها و نرم‌افزارهای حسابداری هوشمند، گزارشگری بلادرنگ، شناسایی خطا و انحراف
راهبردهای اجتماعی و فرهنگی	تقویت فرهنگ سازمانی اخلاقی	ارزش‌گذاری به صداقت و دقت گزارشگری، ترویج رفتار حرفه‌ای و مسئولیت‌پذیری
	ایجاد فضای پاسخگویی و بازخورد	تشویق به پاسخگویی به ذی‌نفعان، بازخورد مستمر از سرمایه‌گذاران، حمایت از شفافیت اجتماعی

منبع: یافته‌های پژوهش

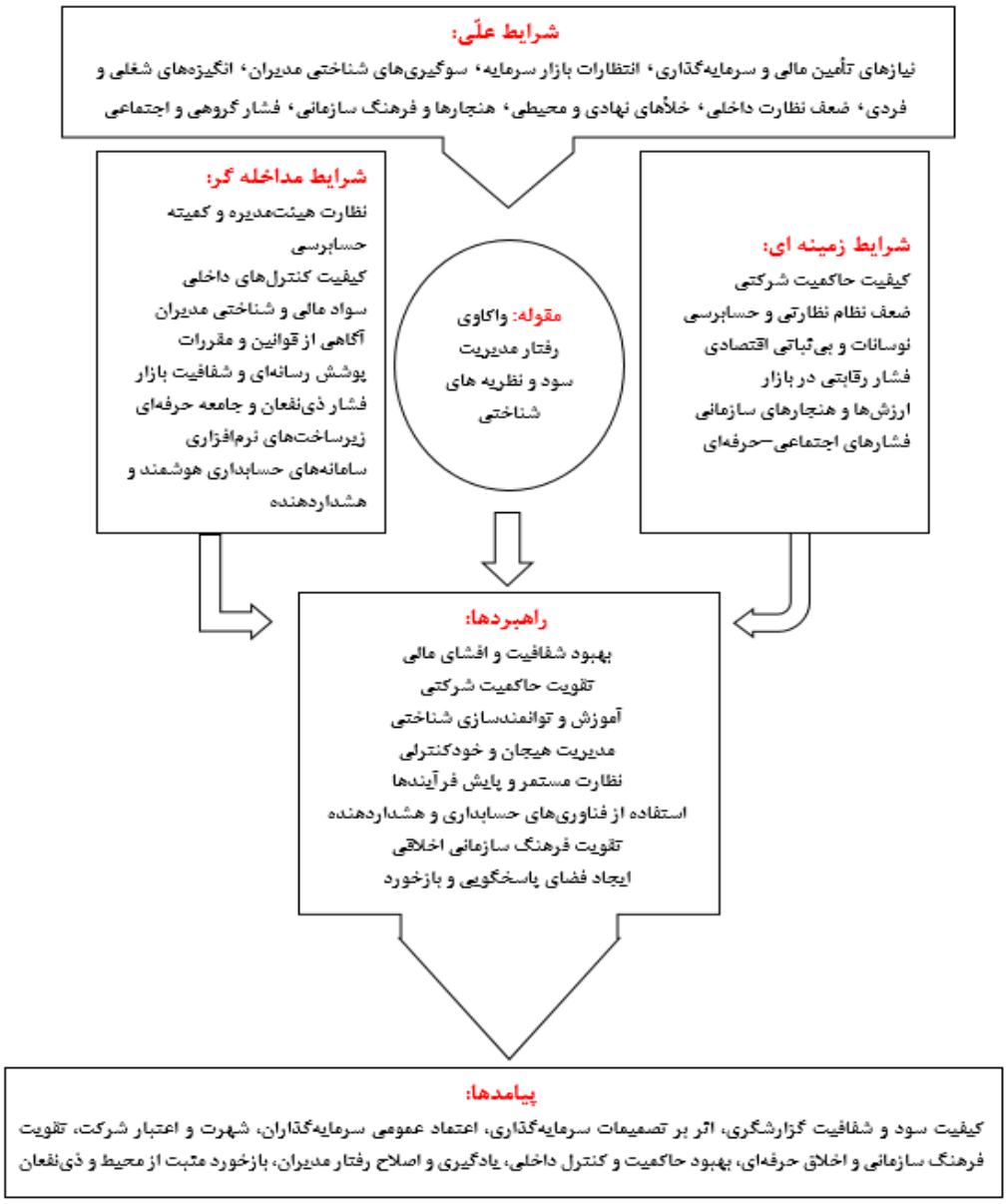
همان طور که در جدول ۶ مشاهده می‌شود اصلی ترین مقوله راهبردی شامل چهار مقوله راهبردهای نهادی و حاکمیتی، راهبردهای فردی و شناختی مدیران، راهبردهای نظارتی و کنترلی، و راهبردهای اجتماعی و فرهنگی می‌باشد. پیامدها به برون داده‌ها یا نتایج کنش/ کنش متقابل اشاره می‌کنند. در این پژوهش پیامدها در چهار مقوله اصلی شامل پیامدهای مالی و عملکردی، پیامدهای بازار و سرمایه گذاران، پیامدهای مدیریتی و سازمانی، و پیامدهای شناختی و رفتاری است که در جدول ۷ بیان شده است.

جدول ۷: کدگذاری باز و شرایط مربوط به پیامدها

مقوله اصلی	مقولات فرعی	مولفه
پیامدهای مالی و عملکردی	کیفیت سود و شفافیت گزارشگری	دقت و صحت اطلاعات مالی، کاهش انحرافات سود، اطمینان سرمایه‌گذاران
	اثر بر تصمیمات سرمایه‌گذاری	تصمیم‌گیری بهتر سرمایه‌گذاران، کاهش ریسک تصمیمات هیجانی، بهبود تخصیص منابع
پیامدهای بازار و سرمایه‌گذاران	اعتماد عمومی سرمایه‌گذاران	افزایش مشارکت در بازار سرمایه، کاهش نوسانات هیجانی، بهبود نقدشوندگی سهام
	شهرت و اعتبار شرکت	افزایش اعتبار در نزد تحلیل‌گران، بهبود جایگاه رقابتی، جذب سرمایه بلندمدت
پیامدهای مدیریتی و سازمانی	تقویت فرهنگ سازمانی و اخلاق حرفه‌ای	ارتقای مسئولیت‌پذیری، پذیرش استانداردهای حرفه‌ای، کاهش رفتارهای سودمحورانه غیرقانونی
	بهبود حاکمیت و کنترل داخلی	افزایش اعتماد هیئت‌مدیره به تیم مالی، تقویت کارکرد کمیته حسابرسی، بهبود پایش داخلی
پیامدهای شناختی و رفتاری	یادگیری و اصلاح رفتار مدیران	کاهش سوگیری‌های شناختی در تصمیم‌گیری‌های آینده، افزایش آگاهی از پیامدهای مدیریت سود
	بازخورد مثبت از محیط و ذی‌نفعان	بازخورد تحلیل‌گران و سرمایه‌گذاران، تشویق به رفتار شفاف، تقویت نگرش حرفه‌ای

منبع: یافته‌های پژوهش

در این پژوهش با در نظر داشتن مطالعات اولیه و نظرات مصاحبه شوندگان و تحلیل داده‌های گردآوری شده توسط روش گراندد تئوری الگوی پیشنهادی که طی احصاء مفاهیم اصلی حاصل شده بود؛ در نمایه زیر ترسیم شد.



شکل ۱: الگوی تجویزی واکاوی رفتار مدیریت سود با تاکید بر نظریه‌های شناختی

در این پژوهش برای اعتبارسنجی کیفی الگو از روش دلفی استفاده شد تا فهرست مقوله‌های اصلی و فرعی با توافق جمعی پالایش شود. روش دلفی، روشی معتبر برای دستیابی به توافق جمعی است، به‌ویژه زمانی که اطلاعات مورد نیاز ذهنی بوده و امکان حضور همزمان شرکت‌کنندگان وجود ندارد. در دور اول، فهرست مقوله‌ها، زیرمقوله‌ها و مفاهیم در اختیار ۱۲ نفر از خبرگان و اساتید دانشگاه قرار گرفت تا نظرات خود را در قالب طیف لیکرت ارائه کنند. در دور دوم، مجموعه عوامل جمع‌آوری شده در اختیار گروه دوم خبرگان قرار گرفت. در نهایت، زیرمقوله‌ها و مفاهیمی که میانگین بالاتری از نظر خبرگان داشتند، انتخاب شدند.

برای تعیین معنی‌داری مقوله‌های استخراج شده از آزمون دوجمله‌ای[1] با سطح معنی‌داری ۰/۵ استفاده شد. برای اجرای این آزمون، داده‌ها به دو گروه طبقه‌بندی شدند: پاسخ‌های «خیلی کم»، «کم» و «بدون نظر» در گروه اول و پاسخ‌های «زیاد» و «خیلی زیاد» در گروه دوم قرار گرفتند. این فرآیند امکان تشخیص مقوله‌های مهم و قابل قبول برای گنجاندن در الگوی واکاوی نظریه‌های شناختی و رفتار مدیریت سود را فراهم کرد و اعتبار کیفی نتایج را تضمین نمود.

[1] Binomial Test

جدول ۸: گزاره‌های مفهومی مرتبط با مفاهیم به دست آمده از دلفی

عنوان مقوله	احتمال مشاهده شده		Sig
	≤3	>3	
عوامل علّی	۰/۱۳	۰/۸۷	۰/۰۰۷
عوامل زمینه ای	۰/۱۰	۰/۹۰	۰/۰۰۰
عوامل مداخله گر	۰/۲۰	۰/۸۰	۰/۰۰۰
راهبردها	۰/۱۰	۰/۹۰	۰/۰۰۰
پیامدها	۰/۲۰	۰/۸۰	۰/۰۳۵

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج آزمون دوجمله‌ای در جدول ۸، تمامی مقوله‌های اصلی در سطح ۰/۰۵۰ معناداراست. بنابراین ابعاد بالا به عنوان مولفه‌های توسعه اعتماد عمومی سرمایه گذاران در نظر گرفته شدند.

٦- بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف واکاوی نظریه‌های شناختی در رفتار مدیریت سود و ارائه الگوی توسعه‌یافته مبتنی بر رویکرد زمینه‌بنیان انجام شد. داده‌های کیفی از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با خبرگان بازار سرمایه، نهادهای نظارتی و مدیران مالی جمع‌آوری شد و با استفاده از روش کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل شد.

از بُعد شرایط علّی یافته‌ها نشان داد که سوگیری‌های شناختی مدیران (مانند خوش‌بینی افراطی، بیش‌اعتمادی، سوگیری تأییدی) و فشارهای اقتصادی و بازار مهم‌ترین عوامل علّی شکل‌گیری رفتار مدیریت سود هستند. نتایج همسو با مطالعات مالمندیر و تاتی[1] (۲۰۰۵) و هریبر و یانگ[2] (۲۰۱۶) است که بیش‌اعتمادی و خوش‌بینی مدیران را عامل افزایش مدیریت سود معرفی کرده‌اند. همچنین با یافته‌های دیچو و اسکینر[3] (۲۰۰۰) و هری و واهلن[4] (۱۹۹۹) همسوست که فشارهای مالی و انتظارات بازار را محرک مدیریت سود می‌دانند.

از منظر شرایط زمینه‌ای یافته‌ها نشان داد که محیط اقتصادی و بازار، کیفیت حاکمیت شرکتی و فرهنگ سازمانی زمینه‌ی وقوع مدیریت سود را فراهم می‌کنند. لنز[5] و همکاران (۲۰۰۳) و اکسی[6] و همکاران (۲۰۰۳) نقش ضعف نهادی و استانداردهای منعطف حسابداری را تأیید کرده‌اند. یافته‌ها با مطالعه پاتنام[7] (۲۰۰۰) درباره سرمایه اجتماعی و فرهنگ سازمانی همسو است. در خصوص شرایط مداخله‌گر نتایج نشان داد که نظارت داخلی قوی، آموزش مدیران و فناوری اطلاعات می‌تواند اثر سوگیری‌ها و فشارها را کاهش دهد. همچنین مک کنایت[8] و همکاران (۲۰۰۲) و پائولو[9] (۲۰۰۳) نشان داده‌اند که اعتماد به سیستم‌ها و نظارت بر فرآیندها میانجی اثر عوامل علّی بر رفتار است.

راهبردهای مؤثر شامل تقویت شفافیت، ارتقای حاکمیت شرکتی، آموزش و توانمندسازی مدیران، فرهنگ سازمانی اخلاق‌مدار و زیرساخت‌های فناورانه است. مطالعات کلایس[10] و همکاران (۲۰۱۸) و هلسی و پالپیو[11] (۲۰۰۱) نشان می‌دهند شفافیت و حاکمیت شرکتی، زمینه کاهش مدیریت سود را فراهم می‌کنند.

بر اساس نتایج مطالعه موجود پیامدهای مثبت شامل افزایش کیفیت گزارشگری، تقویت اعتماد سرمایه‌گذاران، بهبود تصمیمات سرمایه‌گذاری و ارتقای فرهنگ سازمانی است. لو[12] و همکاران (۲۰۰۵) و گایسو[13] و همکاران (۲۰۰۸) نیز نشان داده‌اند که افزایش اعتماد و کاهش سوگیری‌های شناختی مدیران، بهبود عملکرد و مشارکت سرمایه‌گذاران را به همراه دارد.

---

[1] Malmendier & Tate
[2] Hribar & Yang
[3] Dechow & Skinner
[4] Healy & Wahlen
[5] Leuz
[6] Xie
[7] Putnam
[8] McKnight
[9] Pavlou
[10] Klaus
[11] Healy & Palepu
[12] Lo
[13] Guiso

با توجه به توضیحات بالا، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مدیریت سود پدیده‌ای چندبعدی و متاثر از شناخت، محیط و راهبردها است. با توجه به نظریه‌های شناختی و مالی عصبی، سوگیری‌های ذهنی مدیران در تعامل با فشارهای اقتصادی، ضعف نظارت و فرهنگ سازمانی، رفتار مدیریت سود را شکل می‌دهند. در عین حال، راهبردهای شناختی، نهادی و فناوری می‌توانند این اثرات را تعدیل کنند و پیامدهایی مثبت برای سازمان و بازار ایجاد نمایند.

- **براساس یافته‌ها و چارچوب نظری این مطالعه، پیشنهاد برای تحقیقات آتی به شرح ذیل ارائه می شود که هم کاربردی باشند و هم مسیر پژوهشی آینده را روشن کنند:**

الف)گسترش نمونه و زمینه مطالعاتی

بررسی رفتار مدیریت سود در صنایع مختلف و شرکت‌های با اندازه و ساختار متفاوت، استفاده از داده‌های آماری و مدل‌سازی اقتصادسنجی برای سنجش رابطه بین سوگیری‌های شناختی، فشارهای اقتصادی و مدیریت سود، و طراحی پرسشنامه بر اساس مفاهیم استخراج شده از مصاحبه‌ها و آزمون همبستگی یا رگرسیون بین مفاهیم محوری.

ب) تمرکز بر شاخص‌های عصبی و روان‌شناختی

استفاده از ابزارهای نوین مالی عصبی[1] مانند یا اندازه‌گیری پاسخ‌های فیزیولوژیک برای شناسایی مستقیم فرآیندهای شناختی مدیران، و بررسی اثر هورمون‌ها (مانند اکسی‌توسین یا کورتیزول) بر تصمیم‌گیری مالی و تمایل به مدیریت سود.

ج)تحلیل تأثیر فناوری و سامانه‌های دیجیتال

بررسی نقش نرم‌افزارهای هوش مالی و هشداردهنده‌های خودکار در کاهش سوگیری‌ها و مدیریت سود، و مطالعه اثر زیرساخت‌های فناوری نوین و تحلیل داده‌های بلادرنگ بر رفتار مدیران مالی.

- **هر مطالعه ای بدیهی است که با محدودیت‌هایی مواجه خواهد شد که به برخی از محدودیت های عمده ای که این پژوهش با آن روبرو بود در ذیل اشاره می شود:**

الف) محدودیت‌های نمونه و جامعه آماری: این پژوهش بر اساس مصاحبه‌های کیفی با ۱۷ نفر از مدیران و خبرگان بازار سرمایه انجام شد. بنابراین، یافته‌ها ممکن است صرفاً بازتاب‌دهنده تجربیات و دیدگاه‌های این گروه باشد و تعمیم آن‌ها به کل مدیران یا شرکت‌های دیگر محدود باشد.

ب) محدودیت‌های روش‌شناسی کیفی: داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته جمع‌آوری شد و تحلیل بر پایه کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام گرفت. روش کیفی عمق و بینش ارزشمندی ارائه می‌دهد اما محدودیت‌هایی در تکرارپذیری و امکان بررسی آماری روابط متغیرها دارد.

ج) محدودیت زمان و شرایط محیطی: داده‌ها در سال ۱۴۰۴ و در شرایط خاص اقتصادی و بازار ایران جمع‌آوری شد. تغییرات اقتصادی، سیاسی یا قوانین حسابداری می‌تواند بر نتایج مشابه در زمان‌های دیگر تأثیرگذار باشد.

د) محدودیت‌های دسترسی به اطلاعات: دسترسی به اطلاعات دقیق مالی یا گزارش‌های داخلی شرکت‌ها محدود بود و بسیاری از داده‌ها بر اساس اظهار نظر خبرگان و تجربیات شخصی آن‌ها به دست آمد. این مسئله ممکن است موجب سوگیری یا محدودیت در اعتبار بعضی یافته‌ها شود.

ه) محدودیت‌های فرهنگی و نهادی: نتایج پژوهش تا حد زیادی متاثر از فرهنگ سازمانی، نهادی و محیط اقتصادی ایران است. بنابراین، تعمیم این یافته‌ها به کشورهای دیگر یا بازارهای با ساختار نهادی متفاوت ممکن است محدود باشد.

۷- تقدیر، تشکر و ملاحظه های اخلاقی

نویسندگان این مقاله از.... تشکر و قدردانی را دارند.

[1] Neurofinance

منابع

ابراهیمی، فهیمه، ستایش، محمدحسین، زارعی فرد، حمیدرضا. (۱۴۰۰). تبیین انگیزه رفتاری مدیران در دستکاری سود از منظر تئوری چشم‌انداز تجمعی (مورد مطالعه: شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۸(۷۰)۵۱، ۷۷- https://doi.org/10.22054/qjma.2021.57430.2212

ابوالمعالی. خدیجه. (۱۳۹۱)، پژوهش کیفی: از نظریه تا عمل، تهران، انتشارات علم.

بنی‌مهد، بهمن، نیکومرام، هاشم. (۱۴۰۲). نقش عوامل روان‌شناسی اجتماعی در بروز تقلب در گزارشگری مالی. مجله حسابداری رفتاری ایران، ۵(۱)، ۴۵-۶۶.

رحمانیان کوشککی، عبدالرسول، و نویدی، انسیه. (۱۳۹۹). تأثیر تجربه و نفوذ مدیران بر رابطه بین صورت های مالی متقلبانه و کیفیت گزارشگری مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پیشرفت های مالی و سرمایه گذاری، ۱(۱)، ۱۰۱-۱۱۸. SID. https://sid.ir/paper/397433/fa

روح‌الهی، مصطفی و همکاران. (۱۴۰۱). بررسی انگیزه‌ها و پیامدهای مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله پژوهش‌های حسابداری و حسابرسی.

عاطفی فر، علیرضا؛ سلیمانی بشلی. علی، (۱۳۹۸)، رفتارشناسی مالی، انتشارات آیلار.

یزدی، زینب؛ بنی‌مهد، بهمن؛ نیکومرام، هاشم. (۱۴۰۳). نقش فشار درک‌شده بر اعتقادات اخلاقی حسابداران در گزارشگری مالی. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۶(۱). ۱۵۱-۱۸۵. https://doi.org/10.30495/faar.2024.709448

Atkinson, R. C., & Shiffrin, R. M. 1968. Human memory: A proposed system and its control processes.

Barber, B. M., & Odean, T. 2001. Boys will be boys: Gender, overconfidence, and common stock investment. The Quarterly Journal of Economics, 116(1), 261–292. DOI:10.2139/ssrn.139415

Cassidy, J., Jones, J. D., & Shaver, P. R. 2013. Contributions of attachment theory and research: A framework for future research, translation, and policy. Development and Psychopathology, 25(4 Pt 2), 1415–1434. https://doi.org/10.1017/s0954579413000692

Ching Tai. Ch., Chen. Shu-Heng., Xieng Yang, L. 2018.Cognitive ability and earnings performance: Evidence from double auction market experiments Journal of Economic Dynamics and Control, 9 (..)409-440 DOI: 10.1016/j.jedc.2017.12.008

Dahal, S., & Uprety, R. 2025. Impact of financial literacy and cognitive biases on individual investment decisions in Nepalese stock market. Journal of Behavioral Finance, 26(1), 45–63. DOI:10.3126/jbssr.v10i1.80280

Davari, B., Pakmaram, A., Bahri Sales, J. and Jabbarzadeh, S. 2024. The role of cognitive-behavioral constructs in investors' wealth management: Freud's theory test. International Journal of Nonlinear Analysis and Applications, 15(1), 251-262. doi: 10.22075/ijnaa.2022.28984.4037

Dechow, P. M., & Skinner, D. J. 2000. Earnings management: Reconciling the views of accounting academics, practitioners, and regulators. Accounting Horizons, 14(2), 235–250. SID. https://sid.ir/paper/570061/en

Duff, A. 2004. The Role of Cognitive Learning Styles in Accounting Education: Developing Learning Competencies. Journal of Accounting Education 22 (1): 29-52.

https://doi.org/10.1016/j.jaccedu.2003.09.004

Dykas, M. J., & Cassidy, J. 2007. Attachment and the processing of social information in adolescence. New Directions for Child and Adolescent Development, 117(8), 41–56.

DOI:10.1002/cd.193

Gao, P., & Zhang, G. 2019. Accounting Manipulation, Peer Pressure, and Internal Control. The Accounting Review, 94(1), 127–151.

https://doi.org/10.2308/accr-52078

Gawronski, B. 2007. Associative and propositional processes in evaluation: An integrative review of implicit and explicit attitude change. Psychological Bulletin, 132: 692–731.

https://doi.org/10.1037/0033-2909.132.5.692

Guerra, A., & Turrini, E. 2025. Social norms on unethical behaviors in the workplace: a lab experiment. International Review of Economics, 72(1), 1–25. DOI: 10.1007/s12232-024-00479-2

Guiso, L., Sapienza, P., & Zingales, L. 2008. Trusting the stock market. The Journal of Finance, 63(6), 2557–2600.

https://doi.org/10.1111/j.1540-6261.2008.01408.

Hair, J. F., Black, W. C., Babin, B. J., Anderson, R. E., and Tatham, R.L.2006. Multivariate data analysis 6th Edition. Pearson Prentice Hall, New Jersey. Humans: Critique and reformulation. Journal of Abnormal Psychology, 87, PP: 49-74.

https://www.scirp.org/reference/ReferencesPapers?ReferenceID=1385913

Healy, P. M., & Palepu, K. G. 2001. Information asymmetry, corporate disclosure, and the capital markets: A review of the empirical disclosure literature. Journal of Accounting and Economics, 31(1–3), 405–440. http://dx.doi.org/10.1016/S0165-4101(01)00018-0

Healy, P. M., & Wahlen, J. M. 1999. A review of the earnings management literature and its implications for standard setting. Accounting Horizons, 13(4), 365–383.

http://dx.doi.org/10.2308/acch.1999.13.4.365

Hilary, G., & Hsu, C. 2011. Endogenous overconfidence in managerial forecasts. Journal of Accounting and Economics, 51(3), 300–313. https://doi.org/10.2139/ssrn.1748423

Hockey, G. R. J. 1997. Compensatory control in the regulation of human performance under stress and high workload: A cognitive-energetical framework. Biological Psychology, 45(1-3), 73–93. https://doi.org/10.1016/S0301-0511(96)05223-4

Hribar, P., & Yang, H. 2016. CEO overconfidence and management forecasting. Contemporary Accounting Research, 33(1), 204–227. https://doi.org/10.1111/1911-3846.12144

Juliana, L., R. J. Johari, J. Said, and L. S. Wondabio. 2021. The effects of tone at the top and professional skepticism on fraud risk judgment among internal auditors in Indonesia. Management & Accounting Review (MAR),20(1): 139-154.

https://doi.org/10.24191/MAR.V20i01-07

Kahneman, D., & Tversky, A. 1979. Prospect theory: An analysis of decision under risk. Econometrica, 47(2), 263–291.

https://ideas.repec.org/a/ecm/emetrp/v47y1979i2p263-91.html

Kanfer, R., Chen, G., & Pritchard, R. D. 2008. Work motivation: Past, present, and future. Routledge. https://psycnet.apa.org/record/2008-09941-000

Klein, A. 2002. Audit committee, board of director characteristics, and earnings management. Journal of Accounting and Economics, 33(3), 375–400. https://doi.org/10.1016/S0165-4101(02)00059-9

Leuz, C., Nanda, D., & Wysocki, P. 2003. Earnings management and investor protection: An international comparison. Journal of Financial Economics, 69(3), 505–527.

https://doi.org/10.1016/S0304-405X(03)00121-1

Lo, A. W., Repin, D. V., & Steenbarger, B. N. 2005. Fear and greed in financial markets: A clinical study of day-traders. American Economic Review, 95(2), 352–359.

DOI: 10.1257/000282805774670095

Malmendier, U., & Tate, G. 2005. CEO overconfidence and corporate investment. Journal of Finance, 60(6), 2661–2700.

https://doi.org/10.1111/j.1540-6261.2005.00813.x

McKnight, D. H., & Chervany, N. L. 2002. What trust means in e-commerce customer relationships: An interdisciplinary conceptual typology. International Journal of Electronic Commerce, 6(2), 35–59.

https://doi.org/10.1080/10864415.2001.11044235

Oyekunle Oyewobi, Luqman; Abimbola Windapo James and Olabode Bamidele Rotimi, 2016. Relationship between decisionmaking style, competitive strategies and organisational performance among construction organisations, Journal of Engineering, Design and Technology, 14(4)4 1-25. https://doi.org/10.1108/JEDT-04-2015-0025?urlappend=%3Futm_source%3Dresearchgate.net%26utm_medium%3Darticle

Pavlou, P. A. 2003. Consumer acceptance of electronic commerce: Integrating trust and risk with the technology acceptance model. International Journal of Electronic Commerce, 7(3), 101–134.

https://doi.org/10.1080/10864415.2003.11044275

Pham, N. P. 2000. Learning styles. Retrieved January,.2010. from http://payson.tulan.edu/Pham/learning/lstyles.html.

Phillips. E., & Burrell, D. 2009. Decision-making skills that encompassa critical thinking orientation for law enforcement professionals". International Journal of Police Science & Management, 11(2), 141-149. DOI:10.1350/ijps.2009.11.2.118

Putnam, R. D. 2000. Bowling alone: The collapse and revival of American community. New York, NY: Simon & Schuster.

Schipper, K. 1989. Commentary on earnings management. Accounting Horizons, 3(4), 91–102.

DOI:10.1145/358916.361990

Schmeichel, B. J., & Baumeister, R. F. 2004. Self-regulatory strength. In R. F. Baumeister & K. D. Vohs (Eds.), Handbook of self-regulation: Research, theory, and applications (pp. 84–98). Guilford Press. https://doi.org/10.1207/s15327663jcp1603_3

Schrand, C. M., & Zechman, S. L. C. 2012. Executive overconfidence and the slippery slope to financial misreporting. Journal of Accounting and Economics, 53(1-2), 311–329.
https://doi.org/10.1016/j.jacceco.2011.09.001

Tversky, A., & Kahneman, D. 1974. Judgment under uncertainty: Heuristics and biases. Science, 185(4157), 1124–1131.
https://doi.org/10.1126/science.185.4157.1124

Xie, B., Davidson, W. N., & DaDalt, P. J. 2003. Earnings management and corporate governance: The role of the board and the audit committee. Journal of Corporate Finance, 9(3), 295–316.https://doi.org/10.1016/S0929-1199(02)